

هنوز روز پنجشنبه ۱۴
خرداد ۱۳۷۷ به پایان
نرسیده بود که شاعر پرواوزه
ارمنی که بیش از ۷۰ سال به
خلق آثار ادبی همت
گماشته بود چشم از جهان
فروپوشید.

شادروان گالوست
خانین متخلص به خانس
به سال ۱۹۱۰ میلادی -
۱۲۸۹ شمسی در تهران
زاده شد و در مدرسه
فرانسوی من لویی سپس در
مدارس فارسی زبان تحصیل
نمود. زبان ارمنی را در نزد
آرتاش گاراگاش معلم
زبان ارمنی فراگرفت و با
تشریح ری پا به هر صنف شعر
و ادب نهاد. در سال ۱۹۲۷
با اساتذنامه ارمنان ایران
[متعلق به هایک گاراگاش]،
اسپس با نشریات «بروبخ» و
«ورازنون» و بسیاری از
نشریات مترقی ارمنی دنیا
بریزه با «شیراک»،
«آناهیت»، «آراهد»،
«برگهای از ادب و هنر» و
«پیسونیک»، «آارات»
همکاری کرد.

در جوانی به عضویت
«انجمن آبی» به رهبری
مارکس قارابگیان (دو) و
هایک گاراگاش درآمد. وی
از بنیانگذاران «انجمن
پسرگ نوره» (نورسراج
۲-۱۹۳۴)، «انجمن
نویسندگان ارمنی ایران» (در
سالهای ۶-۱۹۶۱)
نایب رئیس انجمن بود،
«انجمن ملی و فرهنگی
ارمنی ایران» (که در سالهای
۸۶-۱۹۷۹ رئیس آن بود)،
«مجلس ادبی ارمنیان
تهران» (۱۹۸۶) بود. وی
ویراستار مجموعه ادبی
«ماندپیسوم» به معنی
«ملاقات» بود که سه شماره
از آن تاکنون به چاپ
رسیده است.

خانس جایزه ادبی
هایکاشن اوزونیسیان
(پیسروت ۱۹۷۵) و جایزه
ادبی هارانتس
(پاریس ۱۹۷۸) را به خود

ترازویی به نام راستی و حقیقت!

اختصاص داد. وی بنا به
دعوت رسمی انجمن
نویسندگان ارمنستان در
جلسه نهم انجمن به سال
۱۹۸۶ شرکت نمود.
شعرهای گالوست

خانسن در نشریات
فارسی زبان نیز به چاپ
رسیده اند از جمله:
تهران مصور، آیندگان ادبی،
فردرسی، سخن،
روشنفکر، هنر و اندیشه
کیهان، جنگ، باغ صائب،
کتاب روز (برنامه رادیویی
گروه ادب و هنر ۲۸
فردرودین ۱۳۵۴)،
تهران ژورنال انگلیسی،
بازار، اطلاعات، تماشا،
اطلاعات بانوان، صبح
امروز و بانوان.

خانسن پسکی از
پرکیارترین و بنام ترین
شاعران ارمنی زبان ایران
به شمار می رفت. شیوه بیان
او، در عین سادگی استوار و
شیوا بود. مضامین
گونگونش همه مظاهر
حیات را دربر می گرفت. از
«حدیث نفس» به
«حدیث نفس» روی می آورد
و از تغزل به شعر اجتماعی

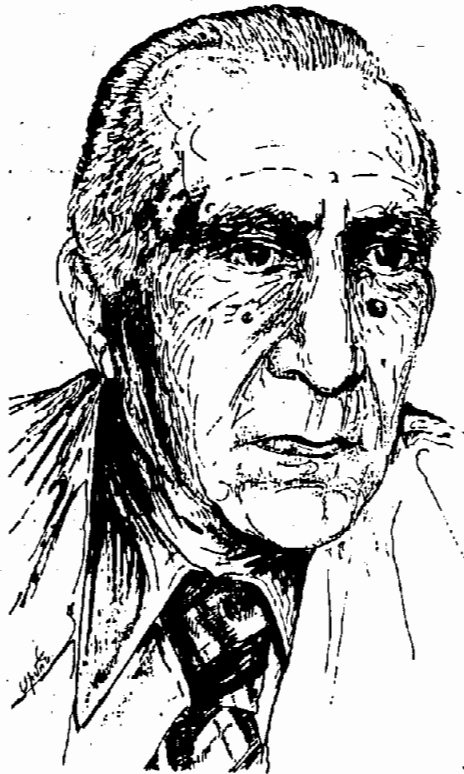
بدون فداکاری در راه تعمیم
حقیقت و تحمیل آن به
جامعه شاعری وجود نداشته
و نخواهد داشت.

در جای دیگر شاعر ادامه
می دهد: «... شاعر یک
فرد معمولی نیست که تنها از
زندگی خود صحبت به میان
آورد، زندگی شاعر
وابستگی تام به زندگی و
تنفس اجتماع دارد و شاعر
راستین کسی است که
قدرت کلام خود را
در خدمت میلیون ها انسان
گرسنه و زجر دیده بکار
اندازد و از دردهای مشترک
آنها سخن راند و شعر
گوید، زندگی شاعر باید
پیشان زندگی انسانهای
عصرش باشد.

خانسن در مورد شعر
می گفت: «شعر چون
ارتباط مستقیم با موسیقی
دارد باید وزن داخلی خود را
(نه فقط ظاهری) دارا باشد
که در غیر اینصورت باید با
معیار نثرش منجید و منطق
شعر در او تأثیری
نخواهد داشت. البته این
بدان معنی نیست که شعر را
باید در قالب های تکراری
سرود، فرم و تصویر حتماً
باید ابدای خود شاعر باشد
تنها از این مسلمان،
موسیقی کلام باید همچون
گذشته تکرار شود، اما
در مورد محتوا اگر لازم
باشد حتماً فدا کردن فرم و
وزن را ترجیح می دهم. اگر
سروده ای نتواند از دردی
مشترک، نفس زندگی،
شرح چگونگی اجتماع
برخوردار باشد هرگز لیاقت
آن را نخواهد داشت تا بر
اریکه شعر تکیه کند.»

خانسن درباره شعر
امروز ایران چنین می گفت:
«شعر امروز ایران که
پایه گذارش نیما است به
جیوه اصلی شعر به معنی
واقعی و وسیع کلمه نزدیکی
جسته و در این زمینه
شاعرانی که شعرشان خوب
و غنی است و من از آثارشان
به زبان ارمنی برگردانده ام
عبارتند از:
هوشنگ ابتهاج، فروغ
فرخزاد و احمد رضا
احمدی...»

و در اینجا چند برگ از
اشعار زنده باد گالوست
خانسن با ترجمه احمد
نوری زاده و هراوند قواسیان
به نظر خوانندگان گرامی
می رسد.



من خواب دیدم

خواب دیدم
دهکده قدیمی
بامهای کاهگلی
خانه های مهمان نواز را
و مادرم را...
در اتاقی گلی
نشسته در نور

و دیگر بار
- کودکی بزرگ را دیدم
که بر فراز تپه ایستاده است
و به ستارگان پروازگر دور دست می نگرد
و مادرم
فرزند دلیرش را
- آرزومند پرواز آسمانها را -
باز خواننده، می گوید:
- صیاد نور
از کلبه گلی خویش
پایش را به بیرون نمی نهد

انسان روزگار ما

از فریاد کشیدن خسته مت
و برای چشمان بیگانگان
خواستار تسلیش نیست
تشنه بود
آب چشمه ها را تمام کرد
اما تشنه ماند
آفتاب ها، اخترها و
چراغ ها فروخت

اما
باز هم در اشتیاق نور ماند
اینک با احترام و ترس
به سایه اش می نگرد
و می خوابد- چون خرگوش
با چشمان باز و گوش های افراشته
او از صداهای اطراف می لرزد
و به مشت های خود مشرک است
انسان روزگار ما
قلبش را بسته نگاه می دارد
و بریان می شود در «تابه ای فکرش

می رسید و در نوع اخیر،
التفاتی خاص به رنج دیدگان
داشت.

از آنجا که خانسن شاعر
انسان ها بود پس
نمی توانست مذهب سرای
عشق نباشد و در این
خصوص از تمایز و تمثیل ها
و واژه های بسیار شیوا بهره
می گرفت. یکی از سخنان
مهم و بزرگ شاعر عشق به
میهن و بیان احساس دلتنگی
و حسرت بود.

روانشاد می گفت: «...
شاعر اجتماع را تقدیر
می کند و برای تقدیر اجتماع
ترازویی وجود دارد بنام
راستی و حقیقت، شاعر
جوینده حقیقت است.
نه فقط جوینده بلکه حقیقت
را شکل می دهد و به جامعه
تقدیم می دارد و از نظر من

اشعار خانسن را تاکنون
مترجمانی چون
هراند قواسیان، داویت
خاچاتوریان، نادر نادرپور،
احمد نوری زاده و
آندرانیک ساریان (انگلیسی)
ترجمه کرده اند.

از خانسن تاکنون
کتابهای بسیاری به چاپ
رسیده، که می توان به
تعدادی از آنها اشاره کرد:

- ۱- بستامسی دل
(ارمنی) - سلام بر تو ای
انسان (فارسی) - پنجره و ...
همچنین مجموعه شعری
تحت عنوان «ندای سرکش»
آماده چاپ دارد که امیدواریم
به همت خانواده و دوستان از
به حلیه چاپ آراسته گردد.
به مناسبت هفتادمین سال
فعالیت ادبی گالوست
خانسن، به همت بخش